

قرائت و تلاوت همراه با تدبر در قرآن*

مهدی رستم‌نژاد** علی عزیزاده***

چکیده

تلاوت قرآن از بدو نزول در میان مسلمانان جایگاه ویژه و ممتازی داشته است. قرائت، تلاوت و کیفیت آن در احادیث شیعه و سنی همواره مد نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام، صحابه و تابعین بوده است. نوشتار حاضر، ابتدا مروری به نحوه استفاده عموم مردم، از کلام خداوند دارد و در ادامه در پی تبیین استفاده مطلوب و مؤثر از قرآن در زندگی می‌باشد. نتیجه این پژوهش، به ما می‌فهماند که اگر قاری قرآن به مفاهیم، شأن نزول آیات قرآن و تفسیر آیات وحی آگاه باشد، تلاوت او بر شنوندگان تأثیر بیشتری دارد. عالمان و مفسران شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که قرائت قرآن با هر نغمه ای جایز نیست، هر چند مورد پسند عامه مردم باشد، ولی اگر در مدار قرائت مطلوب باشد، جایز است. تدبر در آیات الهی و عمل به آیات قرآن از جانب قاری قرآن، تأثیر قرائت را بر همگان بیشتر نموده و تلاوت قرآن نیز با این اوصاف، حتماً بر شنوندگان اثر مطلوب خواهد داشت.

واژگان کلیدی: قرآن، تلاوت، قرائت، ترتیل، تدبر.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۳

** . دانشیار علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه rostamnejad1946@gmail.com (نویسنده مسئول)

*** . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمیه alializadeh56@yahoo.com

مقدمه

هیچ کتابی در فضیلت و برتری، هم پای قرآن نیست. همچنان که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «القرآن افضل کل شیء دون الله» (نوری، ۱۴۰۸: ۴، ۲۳۶) قرآن به جز خداوند، از هر چیزی برتر است. نیز فرموده است:

برتری کلام خدا بر سایر کلام، همانند برتری خداوند بر مخلوقاتش است: «فضل کلام الله علی سائر الکلام، کفضل الله علی خلقه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹، ۶).

حیات و زندگی انسان به قرآن وابسته است. در واقع، وجه تمایز انسان با حیوانات و سایر موجودات، در میزان بهره‌مندی او از قرآن مجید است. قدم اول در این مسیر، ارتزاق از قرآن و غور در مفاهیم آن و چگونگی تلاوت قرآن مجید است. تا قرآن درست خوانده نشود، عمل کردن درست و صحیح به آن غیر ممکن است.

قبل از ورود به بحث اصلی، به بررسی واژه‌های «قرأ»، «تلو» و «دبر» می‌پردازیم. **قرأ:** یعنی جمع کردن. «قَرَأَ الشَّيْءَ قَرْءًا و قُرْآنًا؛ جمعه و ضمّ بعضه الی بعض»؛ یعنی خواندن را از آن جهت قرائت گویند که در خواندن، حروف و کلمات کنار هم جمع می‌شوند. راغب می‌گوید: «الْقِرَاءَةُ ضَمُّ الْحُرُوفِ وَالْكَلِمَاتِ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضِ فِی التَّرْتِیلِ»، ولی به هر جمع، قرائت نمی‌گویند. مثلاً وقتی گروهی را جمع کردی، نمی‌گویی «قرأت القوم»... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۸).

تلاوت: اصل آن از ماده «تلو» به معنی پیروی کردن است؛ چرا که وقتی عرب می‌گوید: «تلا»، منظورش تبعیت کن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴، ۱۰۲). البته آن هم به گونه‌ای که بین تابع و متبوع، هیچ گونه فاصله‌ای وجود نداشته باشد و این پیروی گاهی در امور جسمانی است و گاهی اقتدا در حکم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۷). با تأسی به همین معنا، این واژه در مورد خواندن به کار می‌رود؛ چرا که در تلاوت کلمات پشت سر هم آورده می‌شود و اکثراً در مورد خواندن قرآن کاربرد دارد (طریحی، ۱۳۷۵: ۱، ۷۰).

با دقت در کاربرد واژه تلاوت در آیات قرآن کریم و مقایسه آن با قرائت مشخص می‌شود که ظاهراً نظر راغب اصفهانی در مورد عام بودن قرائت و خاص بودن تلاوت صحیح است، با این تفاوت که ایشان خاص بودن تلاوت را به این می‌دانست که فقط درباره کتب آسمانی به کار می‌رود، در حالی که ظاهراً تلاوت، قرائتی است که همراه با

قرائت و تلاوت همراه با تدبیر در قرآن **قرائت پرشی** / ۶۱

تفهم، تدبیر و پی بردن و دنباله روی باشد که نوعاً در مورد کتب آسمانی به کار می‌رود.

تدبیر: «دُبْر» بر وزن عُنُق به معنای عقب و مقابل جلو است و جمع آن، ادبار می‌باشد.

تدبیر امر، افتادن به دنبال آن است؛ یعنی در پی کار خود است و آن را دنبال می‌کند ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد: ۲۴)؛ یعنی آیا در قرآن تفکر و تدبیر نمی‌کنند یا بر قلوب، قفل‌هاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۶). نتیجه اینکه تدبیر در لغت به معنای نظر کردن به عواقب و انجام امور از روی فکر و اندیشه است.

اما رابطه تدبیر با قرائت را می‌توان از آیه مشهور ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنَ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (اعراف: ۲۰۴) فهمید. یکی از مقدمات و ابزار تدبیر، استماع دقیق است (انصات). وقتی قرآن قرائت شد و به آن گوش دادیم و این گوش دادن با انصات، زمینه و مقدمه تدبیر شد، بدیهی است رحمت الهی را در پی خواهد داشت: «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

یکی از جلوه‌های قرآن، جلوه صوتی آن است. قرآنی که فرشته وحی با استناد به ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق: ۱) بر پیامبر اکرم ﷺ قرائت کرد و آن حضرت، بر مردم خواند. پس از آن نیز آن الفاظ و کلمات بر زبان قاریان و حافظان، بلکه بر زبان تک تک مسلمان در طی قرون متمادی جاری گردیده و هر صبح و شام طنین دلنشین تلاوت آیات آن، فضای جوامع اسلامی را نوری دوباره بخشیده است. بدیهی است که مواجهه با این جلوه قرآن نیز دارای آداب و شرایطی است که یکی از آن آداب، چگونگی قرائت قرآن از جهت «صوت» است.

قرآن کریم چگونه باید تلاوت شود؟ پیامبر اکرم ﷺ چگونه صوتی را می‌شنیده است؟ و چگونه و با چه صوتی بر مردم تلاوت نموده است؟ دیگر معصومان ﷺ چگونه قرآن می‌خوانده‌اند؟ آیا روش خاصی در قرائت قرآن توصیه شده است؟ آیا روش‌های مطلوب متعددی در این زمینه وجود دارد؟

کیفیت قرائت جبرئیل هنگام نزول قرآن

نخستین جلوه صوتی قرآن، هنگام قرائت فرشته امین وحی بر پیامبر اکرم ﷺ بوده

است و این جلوه در طول دوران رسالت و نزول تدریجی قرآن ادامه داشته است. قرآن کریم صریحاً به گفتار بودن وحی الهی و هنگام نزول قرآن اشاره می‌نماید. در سوره تکویر آمده است: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ (تکویر: ۱۹). قرآن کریم برخلاف کتاب‌های آسمانی دیگر که به صورت الواح یا کتاب بر پیامبران عرضه می‌گردید، به صورت کلام و قول بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد؛ به همین جهت، اهل کتاب کیفیت وحی را نا آشنا پنداشته و از پیامبر ﷺ درخواست کتابی مدون می‌نمودند: ﴿يَسْأَلُكِ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ﴾ (نساء: ۱۵۳)، اما قرآن کریم منحصرأً مرتل نازل گردید. قرآن کریم در سوره فرقان ضمن اشاره به گفته کافران و درخواست آنان مبنی بر نزول دفعی قرآن و رد درخواست آنان، کیفیت نزول قرآن را ترتیلی معرفی می‌نماید: ﴿... وَرَتَّلْنَاهُ قَرِيلاً﴾ (فرقان: ۳۱)، اما قرائت ترتیل از جهت صفت به روش واحدی نبوده است.

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که قرآن با شکوه و جلال و بزرگی (تفخیم) نازل شده است: «نزل القرآن بالتفخيم» (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۳۷۳). ناقل روایت فوق از قول حلیمی نقل می‌کند که مقصود این روایت، آن است که قرائت مردانه خوانده شود و با نرمی قرائت زنانه خوانده نشود (همان، ۱، ۳۷۳). در روایت دیگری محمد بن ابی عمیر از قول امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمودند: هرآینه قرآن همراه با حزن و به صورت حزین نازل شده است (عاملی، ۱۴۰۹: ۶، ۲۰۸). به نظر می‌رسد گاهی ویژگی غالب قرائت هنگام نزول، کوبندگی و جلال بوده و گاهی صدای حزین جبرئیل. و وصف حزین آن بیش از هر چیز، شنونده کلام وحی را به خود جلب می‌کرده است.

کیفیت قرائت پیامبر اکرم ﷺ

الف) قرائت مرتل: قرآن کریم از قرائت جبرئیل به نحو ترتیل یاد نموده و پیامبر اکرم ﷺ را نیز به این گونه قرائت امر کرده است: ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ قَرِيلاً﴾ (مزمّل: ۴). بدیهی است که پیامبری که به تمام اوامر الهی گردن می‌نهد، قرآن را نیز مطابق فرمان الهی و به صورت ترتیل قرائت می‌نموده است. در آیه شریفه دیگر قرائت پیامبر اکرم ﷺ، قرائت همراه با تأنی و مکث ذکر شده است: ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكَبٍّ﴾

قرائت و تلاوت همراه با تدبر در قرآن *قرائت پڑھی / ۶۳*

(اسراء: ۱۰۶). با توجه به تعبیر «لَتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ» در آیه و با نظر به تفاسیر آن، ظاهراً قرائت علی مُکْث، همان قرائت با ترتیل است (طوسی، بی تا: ۱، ۲۲۶)؛ گرچه بعضی از این تعبیر، صرف تدریج در قرائت را فهمیده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱، ۳۴۰).

ب) قرائت ترجیع: قرائت دیگری که از پیامبر حکایت شده، قرائت همراه با ترجیع است. این نوع قرائت بر خلاف قرائت ترتیل، تنها در نقل واقعه‌ای خاص وارد شده است. در صحیح مسلم آمده به نقل از شعبه از معاویه بن قره آمده که وی گفته است: از عبدالله بن مغفل مزنی شنیدم که می‌گفت: پیامبر اکرم ﷺ در سال فتح مکه در میانه راه، سوار بر مرکب خویش سوره فتح را قرائت نمود و در قرائت خویش ترجیع نمود. معاویه بن قره گفت: اگر ترس اجتماع و ازدحام مردم را نداشتیم، هر آینه بر شما قرائت پیامبر را حکایت می‌نمودم (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۱، ۸۱). از قسمت پایانی حکایت فوق، جذابیت زاید الوصف پیامبر اکرم ﷺ نیز به دست می‌آید؛ چرا که راوی ضمن اظهار اطلاع از نحوه قرائت پیامبر ﷺ، عدم حکایت آن را ترس از ازدحام مردم اعلام می‌کند.

ج) قرائت حسن: در روایات زیادی، پیامبر اکرم ﷺ دارای قرائت حسن و صوت حسن معرفی شده است. حتی قریش که در اوایل بعثت، دشمنی و عناد آشکار با پیامبر اکرم ﷺ و خدای او را داشتند و چون نام خداوند برده می‌شد، از روی عداوت شدید می‌گریختند، هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ در نیمه‌های شب به قرائت قرآن می‌پرداخت، پنهانی به قرائت وی گوش می‌سپردند. علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه «وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَ لَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (اسراء: ۴۶) این گونه روایت کرده است: هنگامی که پیامبر خدا ﷺ شب را به قرائت قرآن سپری می‌کرد به جهت زیبایی قرائتش، قریش با علاقه فراوان، پنهانی به صدایش گوش می‌سپردند. هنگامی که آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را قرائت می‌فرمود، به جهت عداوت با خداوند از نزد او می‌گریختند (قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۲۰).

در روایت دیگری پیامبر اکرم ﷺ نه تنها خوش صدا، بلکه خوش صداترین مردم در قرائت قرآن معرفی شده است. عن الباقر علیه السلام: «ان رسول الله ﷺ كان احسن الناس صوتا بالقرآن» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲، ۲۵۹). در حقیقت، حُسن صوت موهبت الهی است. به همین

جهت امام صادق (علیه السلام) نیز تمام پیامبران خداوند را دارای چنین موهبتی معرفی می‌نماید: «ما بعث الله نبیا الا حسن الصوت» (ری‌شهری، ۱۳۶۷: ۸، ۸۳ به نقل از: کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۱۶).

کیفیت قرائت ائمه اطهار (علیهم السلام)

الف) قرائت حسن: از کیفیت قرائت همه ائمه اطهار (علیهم السلام) متأسفانه چیزی نقل نشده است، اما درباره قرائت امام سجاد (علیه السلام) امام باقر (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام) روایاتی در دست است. یکی از ویژگی‌های قرائت ائمه، خوش خوانی آنان است. علی بن محمد نوفلی می‌گوید: نزد امام کاظم (علیه السلام) از صدا یاد کردم. حضرت فرمودند: حضرت علی بن حسین (علیهم السلام) قرائت قرآن می‌نمود. چه بسا عابری بر او می‌گذشت و از نیکویی صدای قرائتش به حالت صعقه و بیهوشی می‌افتاد. هر آینه اگر امام از این موضوع، قرائت خوش، چیزی اظهار کند، به جهت نیکویی‌اش، مردم را تاب تحمل شنیدن نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۱۵).

امام صادق (علیه السلام) نیز در توصیف پدر و جد خویش این گونه فرمودند: امام سجاد (علیه السلام) در قرائت قرآن از همه مردم خوش صداتر بود و هنگام قرائت صدایش را به گونه‌ای بلند می‌نمود که اهل خانه بشنوند. امام باقر (علیه السلام) نیز چون پدر بزرگوارشان در قرائت قرآن خوش صداترین بود. هنگامی که شبانگاه برخاسته و به قرائت می‌پرداخت، صدایش را به قرائت بلند می‌نمود؛ ساقیان و افراد که در راه بر منزلش عبور می‌نمودند، ایستاده و به قرائتش گوش فرا می‌دادند (همان، ۲، ۶۱۵).

از این دو روایت نیز تفاوت درجات خوش خوانی استفاده می‌شود؛ چرا که گاهی قرائت نیکوی امام (علیه السلام) زانوان عابران را سست می‌کرد و گاهی بر جان مستمع حالت غشوه و صعقه می‌انداخته است.

ب) قرائت با حزن: قرائت حزین نیز به امام باقر (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام) منسوب است. حفص بن غیاث به نقل معتبری، ویژگی قرائت امام کاظم (علیه السلام) را این گونه بیان کرده است: کسی را نیافتم که به اندازه موسی بن جعفر (علیه السلام) بر خویش بترسد و بر مردم امیدوار باشد. قرائت وی محزون بود و در هنگام قرائت گویا انسانی را مخاطب قرار داده بود (همان، ۲، ۸۵۷).

کیفیت قرائت مطلوب، نامطلوب و موارد اختلاف

۱. قرائت مطلوب

قرآن را چگونه باید قرائت نمود؟ با طرح این سؤال، سؤال‌های دیگری هم پیش می‌آید. در هنگام تلاوت چه لباسی باید پوشید؟ در کجا باید نشست؟ یا کدام مبانی لحنی و تنغیمی برای قرائت مناسب است؟ پاسخ همه این سؤال‌ها ذیل عنوان آداب تلاوت مطرح شده است. در قرائت مطلوب غیر از آداب وارده، آنچه مهم است، قرائت با روح و جان است. قاری باید در قرائتش پاک، خالص و بی ریا باشد. فقط به خداوند متعال بیندیشد و هدفش دستیابی به چیزی از راه قرائت نباشد. طهارت و پاکی برای قاری بسیار مهم است، به ویژه اگر دنبال نفوذ قرائت بر مخاطب باشد؛ چه وقتی قرآن از صمیم قلب و اخلاص، قرائت شود، لاجرم بر دل می‌نشیند.

در تبیین قرائت مطلوب نیز گفته‌اند، قرائتی نافذ است که قاری قرآن، آن را با اشتیاق درونی پایدار، تمرکز حقیقی نیروی فکر و حضور قلب انجام دهد نه با سستی و تبلی. این سخن شاید اشاره به این حدیث باشد که طبق آن باید قرآن را تا زمانی بخوانید که حضور قلب دارید، ولی وقتی از آن فاصله گرفتید، دست از خواندن بکشید. در واقع، از انسان خواسته شده تا زمانی قرآن بخواند که قلبش آن را می‌پذیرد، فکرش آماده است، روحش به آن پاسخ می‌دهد. قرائت قرآن باید به صورتی باشد که گویا وحی دوباره نازل شده است.

در ادامه به مواردی از قرائت مطلوب اشاره نموده و به توضیح و تبیین آنها می‌پردازیم:
الف) قرائت مرتل: از قرائت مطلوب که بیش از هر نوع دیگر به آن اشاره شده، قرائت ترتیل است. این نوع قرائت توسط جبرئیل صورت پذیرفته ﴿وَرَكَّلْنَاهُ تَرْوِيلاً﴾ (فرقان:

۳۲) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور به تبعیت از وی و قرائت ترتیل بوده است ﴿وَرَكَّلْنَا الْقُرْآنَ تَرْوِيلاً﴾ (مزمّل: ۴) امیرمؤمنان علیه السلام نیز قرائت اهل تقوی و پرهیزگاری را این گونه معرفی نموده است (ر.ک: سید رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۹۳).

در جای دیگری می‌فرمایند: ترتیل قرآن، حفظ و رعایت محل وقف‌ها و بیان و واضح ادا کردن حرف است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲، ۱۴۲). امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه فرموده‌اند: ترتیل آن است که در حین قرائت، مکث نموده و صدایت را در حین قرائت نیکو

گردانی (همان، ۲، ۱۴۲). ام سلمه گفته است: پیامبر اکرم ﷺ قرائت خویش را در پایان هر آیه‌ای قطع می‌نمود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۵۶۹). انس می‌گوید: پیامبر ﷺ صدایش را هنگام قرائت می‌کشیدند (همان، ۱۰، ۵۶۹). عایشه نیز در توضیح قرائت ترتیل پیامبر ﷺ گفته است: قرائت پیامبر به صورت ترتیل بود، به گونه‌ای که قرائت حضرتش از دیگران طولانی‌تر بود (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۹، ۱۹۲).

این بیان امام صادق علیه السلام به مرتبه والای ترتیل دلالت دارد که می‌فرماید: ترتیل آن است که در قرائت خویش مکث نموده و با صدای نیکو و متناسب، قرآن بخوانی و هنگامی که به آیه‌ای رسیدی که در آن یاد آتش بود، از آن به خدا پناه ببری و چون به آیه‌ای رسیدی که در آن یاد بهشت بود، از خداوند آن را طلب کنی (طریحی، ۱۳۷۵: ۲، ۱۴۲). امیرمؤمنان علیه السلام نیز به لزوم توجه به معنا در هنگام قرائت اشاره نموده، می‌فرماید: در قرائت ترتیل قلب‌های سخت را با آن خرد کن و هرگز همت تو در اتمام نمودن قرائت سوره نباشد، بلکه به معانی و تأثیر آن در قلب توجه کن (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۱۴).

توجه به آنچه در تفسیر آیه ﴿يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (بقره: ۱۲۱) آمده، می‌تواند مرحله اکمل قرائت ترتیل یا حق ترتیل را نشان دهد؛ گرچه تلاوت، اعم از ترتیل است و به انواع دیگر قرائت هم اطلاق می‌شود، واضح است که ترتیل اگر تنها فرد و مصداق تلاوت نباشد، لااقل یکی از مصادیق بارز آن است که در عصر نخستین اسلام وجود داشته است. پیامبر اکرم ﷺ در روایتی «حق تلاوت» را به تبعیت قرآن آن گونه که تبعیت آن شایسته است، معنا نموده است (ری‌شهری، ۱۳۶۷: ۸، ۸۴).

ب) قرائت تحقیق: قرائت با نهایت تأنی و آزاد ساختن و کشیدن صداست. در این قرائت تمام قواعد قرائت مانند اشباع مد، ادای کامل حق حروف، رعایت وقف‌ها و حتی وقف جایز، ترک اسکان متحرک و ادغام، ترک قصر و اختلاس و... همه در قرائت تحقیق لازم است (ابن جزری، بی‌تا: ۱، ۲۰۵)؛ از این‌رو، این قرائت در تعلیم قرآن توصیه می‌شود تا کم کم با تمرین آن بر قرائت ترتیل موفق شوند. بسیاری از قاریان در مقام قرائت بر شاگردان، از قرائت تحقیق استفاده می‌کردند؛ چرا که این نحو قرائت بر ضبط دقیق‌تر قرآن کمک فراوانی می‌نماید.

با توجه به کاربرد این نوع قرائت، روشن است که این نوع قرائت گرچه با تأنی و مد

قرائت و تلاوت همراه با تدبر در قرآن **قرائت‌پژوهی / ۶۷**

همراه است، با قرائت به الحان، تغنی، تطریب و ترجیع تفاوت دارد. این قرائت که خوب است قرائت آموزشی نامیده شود، به القای دقیق و صحیح حروف، کلمات و خصوصیات قرائت قرآن عنایت دارد.

ج) قرائت با صوت نیکو: به جز روایاتی که سیره معصومان علیهم‌السلام را در قرائت با صوت نیکو معرفی می‌کرد که خود نشانگر مطلوبیت این گونه قرائت است، روایات دیگری در تشویق مؤمنان به تحسین صوت وارد شده است. امام صادق علیه‌السلام از قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل فرمودند: هر چیزی را زینتی است و زینت قرآن، صدای نیکوست (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶: ۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲، ۱۹۰، ۸۹، ۱۹۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶، ۲۱۲). در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خضوع و خشوع و تأثر پذیری قاری قرآن از آیات الهی، ملاک احسن بودن صدای قاری دانسته شده است (ری شهری، ۱۴۰۹: ۸، ۸۳).

۲. قرائت نامطلوب

الف) قرائت هذر مه: هذر مه به معنای سرعت زیاد در گفتار و راه رفتن است و به خلط و قاطی کردن کلمات نیز هذر مه اطلاق می‌شود. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: قرآن، به صورت هذر مه قرائت نمی‌شود، لکن به صورت ترتیل خوانده می‌شود (عاملی، ۱۴۰۹: ۶، ۲۱۶). نامطلوب بودن این نوع قرائت که با تضييع ادای مناسب حروف همراه است، بسیار بدیهی و روشن است.

ب) قرائت همراه با تأثر ساختگی مفرط و تصنعی (نوح): بدیهی است که تأثر واقعی از آیات قرآن و هماهنگ سازی نوع قرائت با مضمون آیات، نشانه فهم بالای قاری و بسیار مطلوب است، اما تأثر ساختگی و اظهار از خود بی خود شدن کاذب، مردود و نامطلوب است. جابر بن عبدالله می‌گوید: به امام باقر علیه‌السلام گفتم: گروهی این گونه‌اند که هنگامی که چیزی از قرآن را بخوانند یا بر آنها خوانده شود، بیهوش و از خود بی خود می‌شوند به طوری که اگر دو دست و دو پای آنها قطع شود، متوجه نمی‌شوند. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: خداوند پاک و منزّه است. این حالت آنان از شیطان است نه از رحمن، این گونه توصیف نشده‌اند، نباید این گونه در مقابل قرآن باشند. آن حالت مناسب در حال قرائت و سماع قرآن، نرمی، رقت، اشک و ترس از خداست (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶، ۲۱۳).

ج) ترقیص: ترقیص آن است که قاری، حرکات را اضافه نموده یا چنین اظهار کند

که می‌خواهد به حرف، سکون و سکت بدهد، اما ناگهان به آن حرکت بدهد. درست مثل هروله کردن که حالتی بین راه رفتن و دویدن است.

د) ترعید: نوعی لرزش در صداست که از حوزه اصوات حَسَن خارج است و با فلسفه زیبا خواندن قرآن منافات دارد. در تعریف ترعید گفته شده است: صدای شخص در هنگام تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که گویی از شدت سرما یا درد می‌لرزد.

ه) تحریف: مراد از تحریف در این جا تحریف لغوی و معهود در اذهان مردم نیست؛ بلکه منظور از آن شیوه خاصی در اجرای قرائت قرآن می‌باشد؛ بدین معنا که عده‌ای قرآن را به صورت گروهی جمع خوانی نمایند، به نحوی که برخی صدا را قطع نموده و برخی دیگر ادامه دهند.

۳. قرائت مورد اختلاف

در میان روایاتی که به توصیه یا رد چگونگی قرائت وارد شده است، به طور خلاصه چهار عنوان ترجیع، تغنی، قرائت به الحان و تطریب وارد شده است. درباره رابطه این گونه قرائت‌ها، به نظر می‌رسد که تفاوت زیادی بین آنها نباشد و همه به نوعی به قرائتی که همراه با آواز و نغمه و خوش خوانی است، اشاره دارد. ولی روایات، در توصیه یا نهی از این گونه قرائت‌ها مختلف است. اکنون به این مباحث با توجه به روایات می‌پردازیم.

الف) قرائت ترجیعی: درباره ترجیع و معنای واقعی آن نظرات متفاوتی وجود دارد. مهم ترین و رایج ترین آن؛ چرخاندن صدا در گلو یا چهچهه، می‌باشد. اما به نظر می‌رسد تعریف حسنی عثمان در کتاب حق التلاوة، دقیق و فنی تر باشد. او می‌گوید: ترجیع همان موج دادن به صدا در حین تلاوت، به ویژه در مدهاست. سپس در تکمیل آن می‌افزاید: این که چندین بار صدا در یک مد واحد، بالا و پائین برده شود. در ادامه برای تبیین بیشتر موضوع به چند روایت اشاره می‌کنیم:

۱. حکایت قرائت پیامبر اکرم ﷺ: عبدالله بن مغفل مزنی می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ در سال فتح مکه در یکی از مسیرهایش، سوره فتح را سوار بر مرکب قرائت کرد و در قرائت خویش ترجیع نمود (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۱، ۸۱).

۲. روایت معتبر ابوبصیر: امام باقر علیه السلام فرمودند: ای ابا محمد (کنیه ابوبصیر) بخوان به گونه‌ای که نه آهسته باشد نه خیلی بلند. صدایت را در قرائت قرآن در گلو

قرائت و تلاوت همراه با تدبیر در قرآن *قرائت‌پژوهی* / ۶۹

بچرخان؛ چرا که خداوند صدای زیبایی که در آن ترجیع باشد، دوست دارد (عاملی، ۱۴۰۹: ۶، ۲۱۱).

مدلول این روایت معتبره دست کم نوعی از ترجیع در قرائت را مطلوب می‌شمارد.

ب) قرائت با الحان: قرآن را به آواها و نغمه‌های (الحان) عرب قرائت کنید و از آوازه‌های اهل گناه پرهیزید. هر آینه پس از من مردمانی می‌آیند که قرآن را در گلو بچرخانند و ترجیع کنند، مانند خوانندگی و نوحه خوانی و خواندن کشیشان که این قرائت از گلوئی آنها نگذرد و مقبول درگاه خداوند واقع نشود. دل‌های ایشان وارونه است و دل هر کس که از اینان خشنود شود، نیز وارونه است (همان، ۶، ۲۱۲).

ج) تطریب: حالتی است که قاری، تنها با متابعت از صوت خود و ایجاد خلل در احکام و اصول تجوید، قرآن بخواند (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۷۸).

د) قرائت با تعنی: تعنی از ریشهٔ غناء به معنای چیزی را به آواز خواندن یا آهنگین خواندن چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل واژه «غنی»). اما برخی نیز آن را از ریشهٔ غناء پنداشته و به وسیلهٔ چیزی بی‌نیاز شدن معنا کرده‌اند. تعنی اصطلاحی در تلاوت قرآن و به معنای تلاوت آهنگین قرآن است. این اصطلاح که غالباً به صورت «تعنی به قرآن» در متون مختلف دیده می‌شود، ریشه در دو روایت دارد که در آنها پیامبر اکرم ﷺ در تلاوت قرآن به تعنی توصیه کرده است.

احادیثی که از آنها توصیه به آهنگین خواندن قرآن فهمیده می‌شود، به این دو روایت محدود نیست، بلکه در تلاوت آهنگین قرآن، احادیث و گزارش‌های تاریخی دیگری نیز با مضامین مشابه مورد استناد قرار گرفته است. در این احادیث، در مقام تلاوت قرآن از تحسین صوت، تزیین صوت، تحبیر و ترنیم (آهنگین خواندن) سخن رفته است (بخاری، ۱۴۱۰: ۶، ۲۴۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۵۸۷) و این مترادف و قرابت معنا در تعبیرها، اندیشهٔ تلاوت آهنگین قرآن را قوت بخشیده است. به نظر می‌رسد روایاتی که در آنها به تعنی توصیه شده، در این مسیر سهم بیشتری ایفا کرده و زمینه را برای جنبه‌های هنری و غنایی قرائت قرآن فراهم نموده است. سعد بن ابی وقاص از پیامبر ﷺ نقل کرده است که حضرت فرمودند: قرآن حزین نازل شده است. هنگامی که آن را قرائت کردید، بگریید و اگر گریه نکردید، خود را به حال گریه وادار کنید و با قرآن تعنی کنید که هر کس به قرآن

تغنی ننماید، از ما نیست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۹، ۱۹۱).

نتیجه اینکه تلاوت قرآن اگر توأم با تغنی ممدوح و در راستای تأثیر گذاری بهتر قرائت قرآن باشد، اشکالی ندارد؛ به شرط اینکه نهی خاصی از طریق روایات و علمای دین و علمای قرائت نرسیده باشد. ولی اگر قرائت قرآن توأم با تغنی و آهنگ‌های ناموزون و صرفاً به منظور اثر گذاری بهتر و مطابق هوی و هوس قرائت شود، ناپسند و مطرود است. باید توجه داشت که اثر گذاری قرائت قرآن، فقط به آهنگ زیبا نیست، بلکه آنچه در اثر گذاری آن نقش ممتاز و مؤثر دارد، فهم قاری از متن مورد تلاوت، عمل به مفاهیم آیات و اخلاص اوست. در واقع، قرائت با ترتیل و ترنم معنوی و رعایت مواضع وقف، باعث ازدیاد اثر گذاری می‌شود و آهنگ و صوت از لحاظ تأثیر گذاری در درجات بعدی قرار دارند. جالب توجه اینکه برای تلاوت قرآن، آداب مفصل و جامعی وجود دارد که در همه این موارد به خشوع، وقار، آرامش و سکینه هنگام تلاوت و استماع آیات قرآن تأکید شده است.

تلاوت قرآن و نقش تدبّر در آن

آیا بین تدبّر در آیات الهی و تلاوت آن رابطه‌ای وجود دارد؟ قاری قرآن با تلاوت آن به دنبال چیست؟ آیا قرآن را صرفاً به جهت تأثیر در نفس خود تلاوت می‌کند یا نه؟ آیا قاری قرآن غیر از تأثیر در باطن خود، به دنبال اثرگذاری مفاهیم و پیام‌های گسترده آن به شنوندگان نیز می‌باشد؟ بدیهی است که جواب این سؤالات مثبت است؛ در نتیجه، قاری قرآن در هنگام تلاوت کلام خداوند، در قبال شنوندگان وظایفی دارد. قاری قرآن ابتدا باید در خود، زمینه و مقدماتی را فراهم کند تا شنونده، پیام آیات الهی را آن طور که مراد خداوند بوده، از او دریافت کند. روایات نیز موید این مطلب می‌باشد. اگر قاری قرآن با مفاهیم آیات آشنا باشد و بداند که آیات مورد تلاوت چه چیزی را در بر دارد، طبیعتاً نوع تلاوت او و لحنی را که در هنگام ادای کلمات و جملات به کار می‌برد، متفاوت می‌باشد. مهم‌تر اینکه اگر قاری قرآن عامل به آیات مورد تلاوت باشد، با تمام وجود و اعتقاد تام و کامل، مفاهیم آیات را با تلاوت خود به شنوندگان منتقل می‌کند. این نکته از جمله اهدافی است که با تدبّر در آیات الهی می‌توان به آن دست پیدا کرد.

امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: قرآن را فرا گیرید که بهترین سخن است و در آن تأمل و اندیشه کنید که بهار دل هاست (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: خطبه ۱۰۹). امام صادق علیه السلام در

قرائت و تلاوت همراه با تدبیر در قرآن *قرائت‌پژوهی* / ۷۱

روایتی از عدم توجه و بی بصیرتی مردم سخن به میان می‌آورند: خداوند در سخنان خود برای بندگان تجلی یافته است، ولی بسیاری از مردم نمی‌بینند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۹، ۱۰۷). در باب قرائت قرآن و عمل به آن و اهمیت این موضوع همین بس که رسول خدا ﷺ فرمودند: چه بسیار تلاوت کننده قرآن که قرآن وی را لعن کند (همان، ۸۹، ۱۸۴).

آیا قرآن قابل فهم است؟

شکی نیست که خداوند متعال برای تفهیم شرائع خود به بندگان، کتاب‌های خود را به زبان قوم نازل نموده است. پیامبر اکرم ﷺ برای تبلیغ احکام الهی، راه تازه‌ای در زبان عرب و اسلوب آن اختراع نکرد، بلکه همان وسیله متداول، یعنی زبان قوم عرب را برای تفهیم مراد الهی، چه در قرآن و چه در سنت، به کار گرفته است، چنانکه این نکته در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾ (ابراهیم: ۴).

آیا قرآن برای همگان قابل فهم است یا فهم آن به امامان علیهم السلام اختصاص دارد؟ در صورت نخست، آیا برای آن حد و مرزی وجود دارد یا نه و همگان می‌توانند به فهم نهایی و جامع و کامل آن دست یابند؟ زمینه‌ها و بسترهای مناسب فهم و استفاده از قرآن کریم و موانع آن و شیوه مطلوب در تفسیر کدام است؟

قرآن مجید کتاب هدایت بشر است و تا زمانی که جهان باقی است، قرآن تنها نسخه حیات بخش (مدثر: ۳۱) و درمان‌گر همه امراض و شفاء دردهاست (قلم: ۵۲). قرآن اختصاص به عصر و زمانی خاص ندارد؛ زیرا این کتابی که برای هدایت همگان تنزل یافته، باید دو ویژگی داشته باشد:

۱. به زبانی جهانی سخن بگوید تا همگان از فهم و معارف آن بهره‌مند شوند و هیچ کس به بهانه نارسایی زبان و بیگانگی با فرهنگ، آن را مانع راه خود نبیند و از پیمودن صراط سعادت بخش آن باز نایستد.

۲. محتوایش برای همگان مفید و سودمند باشد و احدی از آن بی‌نیاز نباشد؛ همانند آبی که عامل حیات همه زندگان است و هیچ موجود زنده‌ای در هیچ عصری از آن بی‌نیاز نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱، ۳۲). مراد از زبان جهانی یعنی زبان فطری نه بهره‌مندی از فرهنگی خاص و زبان فطرت یگانه زبانی است که عامل هماهنگی جهان بشری است (روم: ۳۰). دعوت و ترغیب انسان‌ها به تدبیر و فهم قرآن و توبیخ انسان در عدم تدبیر در آن

به استناد آیات قرآن، خود گواهی است بر جهانی بودن زبان قرآن و فراگیر بودن فهم آن؛ زیرا اگر قرآن با فرهنگ ویژه و خاصی با انسان‌ها سخن می‌گفت، دعوت همگان به تدبیر در آیات الهی لغو بود.

بهترین افرادی که می‌توانند پرده از اسرار قرآن بردارند، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند، زیرا مصداق کامل آیه تطهیرند: **﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾** (احزاب: ۳۳). امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: مراتب قرآن مجید برای فهم و تدبیر چهار مرتبه است: ۱. مرتبه عبارت که برای عموم مردم از هر گروه و طبقه‌ای می‌باشد. ۲. مرتبه اشارت که برای خواص مردم مثل مجتهدان و مفسران است. ۳. مرتبه لطافت و نکته‌سنجی‌های دقیق و عمیق آن که مختص شاگردان و اصحاب خاص امامان معصوم علیهم‌السلام و علمای ربانی و اولیای الهی می‌باشد. ۴. مرتبه حقیقت که مختص معصومان علیهم‌السلام است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲، ۲۰).

شرایط فهم و بهره‌گیری از قرآن

مطلوب در خواندن قرآن، فهمیدن، عمل نمودن، رشد و تکامل یافتن است و به تعبیر امام راحل رحمته‌الله مطلوب در تلاوت قرآن شریف، آن است که در قلب انسان تأثیر گذارد و باطن انسان صورت کلام الهی گردد و از مرتبه ملکه به مرتبه تحقق رسد. این مطلوب بدون رعایت آداب و شرایط ظاهری و باطنی تلاوت قرآن حاصل نمی‌گردد؛ از این رو، بزرگان علم و معرفت از جمله امام خمینی رحمته‌الله با الهام از آیات قرآن کریم و بیانات پیشوایان دین. برای بهره‌مندی هر چه بهتر از این مائده آسمانی، نکاتی را به طالبان فهم قرآن و جویندگان معارف قرآنی یادآور شده‌اند. عمده‌ترین آنها عبارت است از:

الف) پناهنده شدن به خدای سبحان از شر شیطان: وسوسه‌های شیطان خار طریق معرفت است و بدون پناه بردن حقیقی به حصن الوهیت از شر او ایمنی حاصل نشود (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۲۱). خداوند می‌فرماید: **﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ**

الرَّجِيمِ﴾ (نحل: ۹۸)؛ هر گاه خواستی قرآن بخوانی، از شیطان رانده شده به خدا پناه بر.

ب) اخلاص و پاک‌سازی نیت: تأثیر در قلوب، نقش بنیادی دارد و بدون آن هیچ عملی را قیمتی نیست، بلکه ضایع، باطل و موجب سخط الهی است (همان، ۵۰۰).

قرائت و تلاوت همراه با تدبر در قرآن **قرائت پژوهی / ۷۳**

ج) طهارت ظاهر و باطن: تا کثافات عالم طبیعت در قلب هست، استفاده از قرآن شریف ممکن نشود: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه:

۷۹-۷۷)؛ آن قرآنی گرانمایه است که جز پاکان بر آن دست نسایند (همو، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

د) ترتیل: قرائتی است که در نفس آدمی تأثیر می‌گذارد و معیار آن، حد وسط بین سرعت و تعجیل و تانی و فتور مفرط است (همان، ۵۰۴).

ه) تفکر و تدبر: اندیشه در معانی آیات قرآن و تفکر در چگونگی بیرون آمدن از مراتب ظلمات به عالم نور در پرتو نور آیات، یکی دیگر از آداب و شرایط، بلکه از اعظم آدابی است که در شریعت مطهر به آن توصیه شده است. تفکر و اندیشیدن از اهداف فرو فرستادن قرآن به شمار رفته است. امام علی علیه السلام نیز قرائت بدون تدبر را بی فایده و فاقد خیر و خوبی می‌داند. با تفکر و تدبر طرق استفاده از قرآن هموار می‌شود و ابوابی جدید برای انسان مفتوح می‌گردد و او معارفی نو از قرآن استفاده می‌کند (همان).

ز) عرضه یا تطبیق: مقصود آن است که شخص مفاد هر یک از آیات را با حال خود تطبیق کند و بدین وسیله کاستی‌های خود را برطرف و امراض و بیماری‌های خود را درمان نماید (همان). نکته جالب توجه در این زمینه این است که از دیدگاه امام علیه السلام همان گونه که میزان در تشخیص صحت و عدم صحت روایات و اعتبار یا عدم اعتبار اخبار، عرضه آنها بر کتاب خداست و آنچه مخالف کتاب خدا باشد، باطل و زخرف است، میزان در تشخیص سعادت و شقاوت آدمی نیز عرضه اعتقادات، خلیقات و اعمال بر کلام خدا، قرآن، است. هر آنچه موافق کتاب خدا باشد، مطلوب و موجب سعادت و آنچه مخالف آن باشد، باطل و مایه شقاوت است و باید کنار گذاشته شود (همان).

موانع فهم قرآن

از منظر امام خمینی علیه السلام و دیگر بزرگان، برای فهم و استفاده از قرآن کریم موانعی وجود دارد که طالب فهم قرآن و جویندگان معارف قرآنی باید این موانع را از میان بردارند. امام علیه السلام از این موانع به حجاب‌های بین مستفید و قرآن تعبیر می‌کند. به برخی از آن موانع و حجاب‌ها اشاره می‌شود:

۱. غرور علمی: از موانع و حجاب‌های بزرگ فهم قرآن، خودبینی است که موجب می‌گردد آدمی خود را از راهنمایی‌های قرآن بی‌نیاز بداند. از نظر امام علیه السلام احساس

بی‌نیازی از بهره‌گیری از این خوان نعمت الهی از این طریق به وجود می‌آید که شیطان کمالات موهوم را برای انسان جلوه دهد و او را به آنها راضی و قانع سازد و کمالات و مقامات واقعی را از چشم او ساقط کند؛ مثلاً اهل تجوید را به دانش تجوید دلخوش کند و علوم دیگر را در دید آنان ناچیز جلوه دهد. اصحاب ادب را به همان پوسته بی‌مغز راضی کند و تمام شئون قرآن را در همان چیزی که آنان می‌دانند، نمایش دهد. مفسران را به وجوه قرائات و آرای مختلف ارباب لغت و وقت نزول و شأن نزول و مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال آن سرگرم کند. اصولاً بحث و جدال در اطراف مفاهیم کلی و غور در جزئیات از موانع بزرگ سیر به سوی خداست که پیاده را از راه باز دارد و باید از میان برداشته شود. امام علیه السلام در این زمینه یادآور می‌شود که ممکن است «حجاب غلیظ اصطلاحات» حتی دامن فیلسوفان، حکیمان و عارفان را گرفته و آنان را در حصار خود محبوس نماید.

۲. گناه و معصیت: از دیدگاه امام علیه السلام یکی دیگر از حجاب‌ها که مانع فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواعظ این کتاب آسمانی می‌گردد، معاصی، کدورت و تاریکی‌هایی است که از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت قدس پروردگار عالمیان پدید می‌آید. این دیدگاه امام علیه السلام برخاسته از آیات و احادیث و موافق برهان عقلی و فلسفی است و در کلام عرفا و فلاسفه نیز آمده است. قرآن کریم شرط فهم و بهره‌مندی از خود را به صراحت انابه و بازگشت به سوی خدا اعلام کرده است (ق: ۸؛ مؤمن: ۱۳) و روشن است که گناه و عصیان دقیقاً نقطه مقابل انابه و بازگشت و قلب منیب نیز قطب مخالف، قلب مذنب و مسمی است.

در احادیث پیشوایان دین علیهم السلام نیز از گناه و معصیت به عنوان «نکته سودا» یا نقطه تاریک در جان و روح آدمی یاد شده و ترک برخی از واجبات، موجب محروم شدن از برکت وحی اعلام شده است. از نظر روایات قلب‌ها آن گاه جایگاه حکمت خواهد بود که خواش‌های نفسانی آن را تیره نساخته باشد. فلاسفه و عرفا نیز در فلسفه و عرفان مطرح کرده‌اند که هر عمل صالح همان گونه که در عالم ملکوت صورتی مناسب با خود دارد، در ملکوت نفس نیز این گونه است؛ یعنی یا صورتی دارد که موجب نورانیت باطن می‌شود و قلب به واسطه آن مطهر، منور و شایسته تجلیات غیبی و ظهور حقایق و معارف الهی

قرائت و تلاوت همراه با تدبر در قرآن / قرائت‌پژوهی / ۷۵

می‌گردد یا صورتی ظلمانی و پلید و چون آینه زنگار زده دارد، به طوری که معارف الهی و حقایق غیبی در آن منعکس نمی‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۲۰).

خواهش‌های نفسانی بزرگ‌ترین حجاب دل است و بسیاری در این حجاب به سر می‌برند. هر قدر خواهش‌های نفسانی انباشته‌تر باشد، معانی کلام خدا نیز بیشتر در حجاب است. همین‌جا باید متذکر شویم که از بزرگ‌ترین گناهان قلبی که پرده‌ای ضخیم بین انسان و فهم درست معارف و حقایق می‌افکند، حب دنیا است که به تعبیر روایت ریشه هر خطاست (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۰۹). کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند و از مواعظ الهیه بهره بردارد، باید قلب را از این ارجاس (حب دنیا و حب جاه) تطهیر کند و لوث معاصی قلبیه را که اشتغال به غیر است، از دل بزدايد؛ زیرا که غیر مطهر محرم این اسرار نیست؛ قال الله تعالی: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه: ۷۷-۷۹). چنان که از ظاهر این کتاب و مس آن در عالم ظاهر برای غیر مطهر ظاهری ممنوع است تشریعاً و تکلیفاً، از معارف و مواعظ آن و سر آن ممنوع است کسی که قلبش ملوث به ارجاس تعلقات دنیویه است (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۲۰۲).

ابزارها و کلیدهای ظاهری و باطنی تدبر در قرآن

برای قرائت قرآن آدابی وجود دارد که از آن با عنوان «آداب ظاهری و باطنی» تعبیر می‌شود. بدیهی است که دارا بودن آداب ظاهری، شرط ورود به وادی قرائت و تلاوت قرآن است و برای بهره‌مندی از باطن قرآن و تدبر در مفاهیم و اهداف آیات، باید به آداب باطنی مسلح بود. تلاوت‌کننده قرآن در هنگام تلاوت، باید مؤدب و موقر و با وضو و رو به قبله باشد و قرائت او باید با نشاط باشد. قرآن را سریع نخواند. آن را شمرده، آرام و روشن قرائت کند. حالت حزن و بکاء داشته باشد. حق آیات را رعایت کند و در آغاز و انجام تلاوت، ادعیه وارده را بخواند. قرآن را بلند و با صدای خوش و از روی مصحف بخواند و هنگامی که دیگری می‌خواند، به آن گوش داده و سکوت نماید.

آداب ظاهری تلاوت قرآن

۱. طهارت و حالت تلاوت‌کننده قرآن.

۲. نحوه قرائت؛ مستحب است قرآن به ترتیل یعنی آهسته و هموار خوانده شود؛ زیرا چنان که گفته شد، مقصود از قرائت، تفکر است و ترتیل به تفکر کمک می‌کند؛ لذا ام

سلمه در وصف قرائت پیامبر ﷺ می‌گوید: آن حضرت، قرآن را آهسته و هموار و حرف، حرف می‌خواندند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۳۷۸).

۳. گریستن هنگام قرائت قرآن؛ گریستن در تلاوت قرآن استحباب دارد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: قرآن را همراه با گریه تلاوت کنید و اگر گریه نمی‌کنید، خود را به حالت گریه کنندگان در آورید. از امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده‌اند: قرآن با اندوه نازل گردیده پس آن را با صدای حزین بخوانید (کلینی، ۱۴۰۷: ۳، ۶۱۴).

۴. رعایت حق آیات قرآن؛ حق آیات قرآنی این است که چون تلاوت کننده به آیات سجده برسد و یا آنها را از کسی بشنود، سجده کند.
۵. نحوه آغاز و اتمام تلاوت.

۶. تلاوت از روی مصحف؛ اسحق بن عمار می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت گردم! من قرآن را حفظ کردم، آیا آن را از حفظ بخوانم یا از روی مصحف؟ فرمودند: آن را از روی مصحف بخوان. مگر نمی‌دانی که نگاه به قرآن عبادت است؟ (همان).

۷. قرائت قرآن با صدای خوش. پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: قرآن را با صدای خود زینت بخشید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۹، ۱۹۴) و نیز فرموده‌اند: از ما نیست کسی که در خواندن قرآن تغنی نکند (همان).

آداب باطنی تلاوت قرآن

در باب آداب باطنی باید به موارد زیر دقت نمود.

۱. فهم اصل کلام

قاری قرآن باید بداند که خداوند از فضل خویش، کلام عظیم و بلند خود را از عرش برای بندگان به سطح فهم آنان تنزل داده و در قالب کلمات و حروف که صفت بشری می‌باشد، ریخته است؛ زیرا انسان نمی‌تواند صفات خداوند را دریابد مگر از دریچه صفات خودش و اگر خداوند حقیقت زیبا و والای کلمات خود را با لباس حروف نمی‌پوشانید، آسمان و زمین تاب شنیدن آن را نداشتند و از عظمت نور متلاشی می‌شد.

۲. تعظیم متکلم (خدا)

قاری قرآن به هنگام تلاوت قرآن ابتدا باید عظمت گوینده آن را در دل حاضر کند و

قرائت و تلاوت همراه با تدبیر در قرآن *قرائت‌پژوهی / ۷۷*

بداند که قرآن کلام خداست و تلاوت کلام الهی بس عظیم و خطیر است ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه: ۷۹)؛ چنان که هر دستی صلاحیت تماس با ظواهر قرآن را ندارد، برای تلاوت آن نیز هر زبانی را لیاقت آن نیست و برای سیر در ژرفای معانی آن، هر قلبی آمادگی ندارد.

۳. حضور قلب

معنا و تفسیر ﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ﴾ (مریم: ۱۲) این است که کتاب را به کوشش و سعی بگیر؛ یعنی اینکه در هنگام تلاوت قرآن، خود را از تمامی افکار خالی کن و همّت را به آن مصروف دار. بی‌تردید، حضور قلب از توجه به کلام خدا سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا تعظیم کلامی که قرائت می‌شود، موجب شادابی و انس با آن کلام می‌شود و غفلت را از دل می‌زداید.

۴. توجه

قاری قرآن در حال قرائت باید متوجه باشد که چه می‌خواند و در عین حال، به شنیدن قرآن از زبان خود اکتفا نکند. می‌دانیم که مقصود از قرائت قرآن، تدبیر و تفکر در آن است؛ لذا ترتیل، سنت و مستحبّ می‌باشد که از آداب ظاهری قرائت است و امکان می‌دهد که قاری در باطن قرآن تدبیر نماید. حضرت علی علیه السلام فرمود: عبادتی که تفقه و قرائتی که تدبیر نداشته باشد، خیری ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶، ۱۷۳) حتی اگر تدبیر تنها با تکرار امکان پذیر باشد بایستی چنین کرد؛ زیرا تکرار سبب توجه بیشتر می‌شود.

۵. تفهّم

تفهّم یعنی در هر آیه‌ای به مناسبت آن از قرآن توضیح خواسته شود؛ زیرا قرآن کریم مشتمل بر مطالبی از جمله صفات و افعال خداوند، احوال پیامبران علیهم السلام، احوال تکذیب کنندگان کیفیت هلاک آنان، کیفیت اوامر و نواهی، یاد بهشت و جهنّم و... است، اما درباره صفات الهی، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (شوری: ۱۱) همانند او چیزی نیست و او شنوا و بیناست.

۶. تخصیص

تخصیص یعنی اینکه؛ تلاوت کننده قرآن در نظر بگیرد که مقصود از هر خطاب قرآن،

خود اوست. اگر امر یا نهی‌ای را در قرآن می‌خواند یا وعده و وعیدی را می‌شنود، خود را مخاطب بداند و اگر داستان‌های پیامبران و اقوام گذشته را قرائت می‌کند، آنها را به منزله داستان‌های افسانه، تلقی نکند، بلکه مقصود از آنها را عبرت گرفتن بداند و باید از لابلای آنها آنچه مورد نیازش است، بردارد؛ چرا که هیچ قصه‌ای در قرآن نیامده مگر برای فایده‌ای در حق پیامبر و امت او. در همین معنا قرآن می‌فرماید: ﴿مَا تَتَّبِعُ بِهِ فُؤَادَكَ﴾ (هود: ۱۲۰).

۷. تأثیر‌پذیری

اینکه قلب قرائت‌کننده قرآن، از آثار گوناگون آیات کریمه تأثیر پذیرد و به حسب مضمون هر آیه، حالت حزن و اندوه یا نشاط و شادی برایش حاصل گردد؛ لذا هر چه شناخت او بیشتر باشد، خشیت، دل او را عمیق‌تر فرا می‌گیرد؛ مثلاً در هیچ آیه‌ای نامی از مغفرت و رحمت نیامده مگر همراه با شرایطی که عارف از رسیدن به آنها قصور می‌کند. برای نمونه آیه ﴿وَإِنِّي لَعَفَّارٌ﴾ وصف غفران الهی را با چهار شرط ﴿... لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى﴾ (طه: ۸۲) بیان داشته است؛ یعنی غفاریت و آمرزش خدا برای کسانی است که اولاً توبه کنند و ثانیاً ایمان آورند و ثالثاً عمل صالح انجام دهند و رابعاً هدایت‌پذیر باشند.

۸. ترقی

ترقی یعنی اینکه خواننده قرآن به مرحله‌ای ارتقا یابد که گویا کلام را از خداوند می‌شنود و نه از خویش. قرائت سه درجه دارد. پائین‌ترین آن این است که قاری آن را بر خدا می‌خواند و خود را در برابر او می‌بیند و خدا را ناظر و شنوا می‌داند در این مرتبه، حال او، حالت درخواست و تضرع و گریه و زاری است. درجه فراتر تلاوت‌کننده این است که با قلب شهادت دهد که پروردگار با الطاف خود، وی را مخاطب ساخته و با او در نعمت بخشی و احسان مناجات می‌کند. در این مرحله، مقام قاری، مقام حیا، تعظیم، گوش کردن و فهم می‌باشد.

۹. تبری

تبری آن است که تلاوت‌کننده قرآن در هنگام قرائت از نیرو، توان و توجه خود دوری

قرائت و تلاوت همراه با تدبر در قرآن / قرائت‌پژوهی / ۷۹

نماید و با چشم خشنودی و تزکیه به خود ننگرد و هنگامی که آیات بهشت و مدح صالحان را می‌خواند، به خود گواهی ندهد، بلکه برای اهل یقین و صدیقین شهادت دهد و ابراز اشتیاق نماید که به آنان بپیوندد و زمانی که آیه غضب و مذمت گناهکاران و مقصّران را می‌خواند، به خود تطبیق دهد و در خشیت و خوف، خود را مخاطب سازد. به همین نکته امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه متقین اشاره می‌فرماید: هنگامی که به آیه‌ای بر می‌خورند که در آن توصیف ترساندن هست، با گوش قلب آن را می‌شنوند و چنین می‌اندیشند که صدای آتش جهنم در گوششان است (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: خطبه ۹۱).

پس آن گاه که آیات امید را می‌خواند و از آن نشاط می‌یابد، گویا که به عیان بهشت را می‌بیند و اگر خشیت و ترس بر او غلبه کند، گویا که آتش و عذاب‌های آن را می‌بیند؛ زیرا کلام الهی مشتمل بر شدت و سهولت، امید و خوف است؛ و لذا به حسب حالات خویش در قرائت آیات مربوط، به وصف آیه متّصف می‌گردد و چون آیات، معانی گوناگونی دارد، حالات او نیز مختلف می‌گردد.

نتیجه

نتیجه بحث این شد که باید باور داشت قرآن کتاب زندگی است و نازل شده تا در آن تدبر نموده، آن را بفهمیم و به آن عمل کنیم. برای رسیدن به کمالات والای انسانی و الهی باید مطابق دستور قرآن عمل کرد. بر اساس آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۹) ورود به حریم قرآن مجید شرایط و آدابی دارد. برای درک و فهم باطن و حقیقت آن، شرایطی لازم است که همه مردم از هر صنف و گروهی می‌توانند به اندازه ظرفیت خود از قرآن بهره ببرند.

آنچه مطلوب است، ما را به تدبر نزدیک می‌کند و آنچه نامطلوب است، ما را از آن دور می‌کند. در مبحث قرائت و تلاوت، ترتیل است که ما را به حریم تدبر و تفکر در قرآن می‌رساند، تفکر در آیات وحی نیز موجب عمل به آیات وحی می‌شود.

مراد از قرائت قرآن، تدبّر و تفکر در آن است؛ لذا ترتیل، سنت و مستحبّ است. تدبّر یکی از ارکان مهم ترتیل در قرائت است و امکان می‌دهد که قاری در باطن قرآن تدبّر نماید.

در مورد کلیدهای باطنی و عملی همین قدر باید گفت که هر اندازه انسان در مسیر

طاعت الهی قدم بردارد و قلب خود را از هر گونه آلودگی و معصیتی منزّه کند، ورود او به حریم قدس الهی هم بیشتر و در نتیجه بهره‌های ناب بیشتری نصیبش می‌شود. مطلب مهم دیگر پیرامون تأثیر سخن بر مخاطب است. هر اندازه گوینده، به سخن خود عمل کرده باشد، تأثیر آن نیز افزون خواهد بود؛ در نتیجه، اگر قاری قرآن به آیات الهی عمل کرده باشد و رفتار و اخلاق او قرآنی باشد، آنچه بر زبان جاری نموده، به طور طبیعی بر شنوندگان تأثیر بیشتری خواهد داشت و تا اعماق جان‌ها نفوذ خواهد نمود. لذا هر چه قاری قرآن بیشتر با مقدمات تدبیر آشنا باشد و در وادی معانی و مفاهیم آیات الهی غور کرده باشد، مخصوصاً اگر عامل به آیات تلاوت شده باشد، حتماً تلاوت او دارای روح و جان خواهد شد و صرفاً ادای کلمات و استفاده از اصوات و اجرای نغمات و الحان قرآنی نخواهد بود، بلکه چون دارای روح و جان است، بر جان و دل افراد اثر خواهد نمود. همچنان که گفته‌اند؛ سخن چون از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند.



منابع

- ابن الجریزی، محمد بن محمد دمشقی (بی تا)، *النشر فی القرائات العشر*، تهران، مکتبه الجعفری.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- انصاری القرطبی، محمد بن احمد (بی تا)، *الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- بخاری، ابی عبد الله محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ ق)، *صحیح البخاری بشرح القسطلانی*، بیروت، دارالفکر.
- بستانی، فؤاد (۱۳۷۵ ش)، *فرهنگ ابجدی*، تهران، انتشارات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵ ش)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ ش)، *حکمت عبادات*، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ش)، *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، ناشر دارالقلم.
- ری شهری، محمد مهدی (۱۳۶۷ ش)، *میزان الحکمه*، تهران، مکتبه الاعلام الاسلامیه.
- زحیلی، دکتر وهبة (۱۴۱۱ ق)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، بیروت، دارالفکر المعاصر.
- سید رضی (۱۳۷۹ ش)، *نهج البلاغه*، تصحیح محمد دشتی، تهران، پارسیان.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ ق)، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- شاه میوه، غلامرضا (۱۳۸۶ ش)، *پژوهشی در جلوه‌های موسیقایی هنر تلاوت*، اصفهان، بوستان فدک.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری،
تهران، مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تهران،
المطبعة العلمیه.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم، نشر هجرت.
فیض الاسلام (۱۳۶۸ش)، شرح نهج البلاغه، تهران، فیض الاسلام.
قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن الکریم، تهران، ناصر خسرو.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، أصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ تهران،
دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۲ش)، آداب الصلوة، مؤسسه نشر آثار حضرت امام علیه السلام.
موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۷ش)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم
و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، روح الله (بی تا)، صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی.

نلسون، کریستینا (۱۳۹۰ش)، هنر قرائت قرآن، محمد رضا ستوده نیا، تهران، زمان نو.
نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه
آل البيت علیهم السلام.